بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 27 دی 1395.

من روایت تثلیث را یک مقداری بیشتر مواردش را نگاه می کردم هم غیر از روایت نعمان بن بشیر در منابع عامه از طرق راویان دیگر هم این روایت نقل شده است. خود روایت نعمان بن بشیر هم یک سری متن های دیگر هم دارد که البته خیلی تفاوت ندارد ولی به هر حال مناسب است که آن متن ها هم مدنظر باشد.

ما در واقع سیزده متن از متون روایت نعمان بن بشیر را در جلسات قبل ذکر کردیم حالا متن های دیگرش را ذکر می کنند که در سنن ابن ماجه، من متن هایی که در صحاح، یعنی صحیحین و سنن عامه هست، این متن ها را آورده ام همچنین متن هایی که یک مقداری فرق جدی دارد آن را هم آورده ام بقیه اش را آدرس داده ام. چهارده چهارده سنن ابن ماجه جلد 2 صفحه 1318 باب الوقوف عند الشبهات

عن الشعبی قال سمعت النعمان بن بشیر یقول علی المنبر و اهوی باصبعیه الی اذنیه سمعت رسول الله ص یقول الحلال بیّن و الحرام بیّن و بینهما مشتبهات لا یعلمها کثیرٌ من الناس من اتقی الشبهات استبرأ لدینه و عرضه و من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام کالرّاعی حول الحمی یوشک ان یرتع فیه ألا و لکل ملک حمی ألا و ان حمی الله محارمه ألا و ان فی الجسد مضغه

تا آخر روایت.

4/15 سنن ابی داوود جلد 2 صفحه 108: «باب فی اجتناب الشبهات عن الشعبی قال سمعت النعمان بن بشیر و لا اسمع احدا بعده یقول سمعت رسول الله ص یقول ان الحلال بیّن و ان الحرام بیّن و بینهما امورٌ مشتبهات و احیانا یقول مشتبهه و سأضرب لکم فی ذلک مثلا ان الله حمی حمی و ان حمی الله ما حرّم و انه من یرع حول الحمی یوشک ان یخالفه و انه من یخالط ریبه یوشک ان یجسر

و بعضی از تعبیراتش خیلی مهم است در معنا کردن های روایات اینها را بعدا روی این تعبیرات تکیه خواهیم کرد. به خصوص در سنن ابی داود این متن کاملا متفاوت است از متن هایی که تا الآن خوانده بود.

4/16 سنن ابی داوود جلد 2 صفحه 108 هست.

سؤال: حاج آقا اینها هر کدام با اسناد خودشان

پاسخ: بله تا عامر شعبی گاهی اوقات مختلف است بعضی جاها ممکن است آخر هایش هم به هم چیز کنند. تمام نقلیاتی که به نعمان بن بشیر هست به شعبی منتهی می شود یا به شعبی یا به عامر یا عامر شعبی، تا عامر شعبی اش ممکن است مختلف باشند ولی از آن به بعدش یکی هستند.

قال سمعت رسول الله ص یقول بهذا الحدیث

در ذیل همان بحث قبلی. بعد

قال بینهما مشبّهات

اینجا مشبّهات دارد

لا یعلمها کثر من الناس من التقی الشبهات استبرأ عرضه و دینه فمن وقع فی الشبهات وقع فی الحرام

4/17 سنن ترمزی جلد 2 صفحه 340: «باب ما جاء فی ترک الشبهات الشعبی عن النعمان بن بشیر قال سمعت رسول الله ص یقول الحلال بین و الحرام بین و بین ذلک امور مشتبهات لا یدری کثیر من الناس أ من الحلال هی أ من الحرام و من ترکها استبرائا لدینه و عرضه

باز این تعبیر فرق دارد

فقد سلم و من واقع شیئا منها یوشک ان یواقع الحرام. کما انّه من یرعی حول الحمی یوشک ان یواقعه.

یرعی دارد در حالی که باید یَرعَ باشد. چون من، من شرطیه است و من شرطیه جزم میدهد. در بعضی از نقل های دیگر من یرعَ بود.

ألا و ان لکل ملک حمی ألا و ألا ان حمی الله محارمه

بعد یک سند دیگر ذکر کرده است باز هم به همان نعمان بن بشیر می رسد و آخرش گفته است نحوه بمعنا بعد گفته است

هذا حدیثٌ حسنٌ صحیح و قد رواه غیر واحدٍ عن الشعبی عن النعمان بن بشیر

سؤال: چرا حسنٌ صحیح؟

پاسخ: آنها تقسیم بندی های، حسن ظاهرا به اعتبار متنش است یعنی متنش متن حسن است و صحیح بودنش به اعتبار سندش است. نعمان بن بشیر را صحابی می دانند قائل به عدالت کل صحابی هستند و اینها را توثیق می کند.

4/18 سنن نسعی جلد 7 صفحه 241 باب اجتناب الشبهات فی الکسب. البته این روایت تثلیث را در بعضی از مصادر در بحث معاملات و اینها آورده بودند مثل بخاری و اینها. الشعبی قال سمعت النعمان بن بشیر قال سمعت رسول الله ص فو الله لا اسمع بعده احد یقول سمعت رسول الله یقول ان الحلال بیّن و ان الحرام بیّن و ان بین ذلک امورا مشتبهات و روی ما قال و ان بین ذلک امورا مشتبهه قال و سألته لکم فی ذلک مثلا ان الله عز و جل حمی حمی و ان حمی الله ما حرّم و انه من یرتع حول الحمی یوشک ان یخالف الحمی و رد ما قال انه من یرعی

که باز هم یرعَ باشد

حول الحمی یوشک ان یرتع فیه و ان من یخالف الریب یوشک ان ییسر

بعد در جلد 8 صفحه 327 هم در سنن نسعی با یک ذره تفاوت کمی نقل کرده است. در سنن کبری بیهقی هم این متن را با یک اختلاف خیلی ریز دارد. جلد 5 صفحه 334 یک نکته ای که به خاطر این نقل ها آورده اند یک ذیلی دارد. آخرش دارد که

و لا أدری أ شیء فی هذا الحدیث أم شیء قاله شعبی

من یرعی حول الحمی و اینها را تردید کرده است که اصلا مال حدیث است یا شعبی نتیجه گیری کرده است و کأنه حدیث ان حمی الله ما حرّم تا اینجا بود در بعضی از نقل ها. دیگر بعد از آن ندارد. این احتمال داده است که ممکن است این نتیجه گیری است که چیز کرده باشد مثلا یک تعبیر دیگری هم هست در المعجم الاوسط طبرانی جلد 2 صفحه ؟؟؟؟30/9

حدیث 4/19 ما است.

عامر الشعبی قال سمعت النعمان بن بشیر یقول سمعت رسول الله ص یقول الحلال بیّن و الحرام بیّن و بین الحلال و الحرام امور مشتبهات لا یدری کثیر من الناس أ من الحلال هی أ من الحرام. یدعهن .... یکون اشدّ استبراء لعرضه و دینه.

تعبیر باز تفاوت دارد

و من یقع فیه یوشک ان یقع فی الحرام کمرتع الی جانب الحمی یوشک ان یرتع فی الحمی أ لا و ان لکلّ ملک حمی و انّ حمی الله محارمه

این هم در واقع این تعبیرات. غیر از اینها من فقط یک تعبیر دیگر را یادداشت کردم که قبلا خواندم ولی دوباره می خوان. این تعبیر به خاطر تفاوت نسبتا جدی ای که در موردش وجود دارد من این را می خوانم.

اخبرنا السری بن عامر

من نشد نگاه کنم که سری بن عامر، سری عن عامر نیست. سری بن عامر باشد سندش با شعبی فرق دارد

قال صعد النعمان بن بشیر علی منبر الکوفه

در بعضی از این نقل ها بوده است حمص. ممکن است هر دو هم باشد خیلی منافات با هم ندارد.

فحمد الله و اثنی علیه و قال سمعت رسول الله ص یقول ان لکل ملک حمی و ان حمی الله حلاله و حرامه و المشتبهات بین ذلک کماله ان راعیا رعی الی جانب الحمی لم تثبت غنمه ان تقع فی وسطه فدع المشتبهات

این تعبیر یک قدری الفاظش متفاوت است با آن الفاظی که تا حالا داشتیم بعد حلال بین و حرام بین و به آن سبک ها هم نیست. امالی شیخ طوسی صفحه 381 حدیث 818 که نمی دانم مجلس چند بود حدیث 69 که قبلا این را خواندم. حالا یک سری دیگر در بعضی از جاهای دیگر هم این وارد شده است من بعضی از آدرس هایش را از نعمان بن بشیر یادداشت کردم. آدرس های متأخر را اصلا یادداشت نکردم آدرس هایی که یک کمی قدیمی تر است. مصنّف ابن ابی شیبه کوفی جلد 5 صفحه 234. السنن الکبری نسعی، این سنن کبری نسعی فکر می کنم همان سننی بود که قبلا گفته بود ولی فکر کنم یک چاپ دیگرش است. این را من از روی سی دی معجم فقهی آقای کورانی یادداشت می کنم. حالا جلد 3 صفحه 239 جلد 4 صفحه 3 کتاب الاربعین نسوی صفحه 82. المنتهی من السنن المسنده صفحه 144. صحیح ابن حبّان جلد 2 صفحه 497. المعجم الاوسط للطبرانی جلد 3 صفحه 59، جلد 7 صفحه 359. قواعد العراقیین صفحه 10. کتاب الاربعین الصغری برای بیهقی هست صفحه 100. کنز العمال جلد 3 صفحه 428، 432، احکام القرآن جساس جلد 1 صفحه 28. اینها حالا چیزهایی بود که یک کمی مناسب بود ذکر شود. و الا منابع متأخر دیگر خیلی منابع دارد. من آدرس جاهایی که در مورد حدیث تثلیث بحثی هم کرده اند و توضیح داده اند که مراد چیست یک سری آدرس هایش را هم یادداشت کردم و این را بعضی هایشان کتاب های شروح کتب حدیثی هست و بعضی هایشان کتاب لغت هست و بعضی هایشان کتاب تفسیر هست و بعضی هایشان کتاب اصولی است. شرح مسلم نبوی جلد 11 صفحه 28. عمده القاری جلد 1 صفحه 299. شرح سنن نسعی سیوطی جلد 7 صفحه 240. حاشیه سندی بر نسعی لابن عبد الهادی جلد 7 صفحه 242. تحفه احوذی جلد 14 صفحه 331. عون المعبود جلد 9 صفحه 127. جامع بیان العلم مال ابن عبد البر جلد 2 صفحه 57. امثال الحدیث صفحه 15. شرح مسند ابی حنیفه صفحه 534. فیض القدیر جلد 3 صفحه 563. مفردات راغب ماده رغیه. المحرر المجیز اینها تفسیر است جلد 1 صفحه 400. تفسیر رازی جلد 7 صفحه 179. تفسیر قرطبی جلد 2 صفحه 58. جلد 3 صفحه 359. تفسیر ثعالبی جلد 2 صفحه 8. الفصول فی الاصول برای جسّاس جلد 2 صفحه 98. الاحکام یا الاحکام لابن حزم جلد 1 صفحه 67. جلد 5 صفحه 659. جلد 6 صفحه 749 به بعد. جلد 7 صفحه 1029.

سؤال:

پاسخ: این به تناسب عمدتا در ذیل متشابهات، به تناسب متشابهات غالبا این تعبیر را آورده اند.

سؤال: چه استفاده ای از این روایات کرده اند اهل سنت

پاسخ: همین ها را آورده ام برای نحوه استفاده ای که کرده اند و بحث هایش. این حدیث در کتب اهل سنت بعضی ها گفته اند ثلث دین به این هست بعضی ها گفته اند که ربع دین به این هست. و این حدیثی است که خیلی مورد توجه بوده است اصلا جزو ده تا حدیث شاخص که در کتب اهل تسنن در کتب علوم حدیثی مطرح می کنند یکی اش همین است. در بعضی از همین آدرس هایی که دادم آن آدرس ها، بحثش حالا بحث هایی دارد که اصلا نحوه تفسیر این روایت کاملا در بعضی هایش متفاوت تفسیر شده است. من جمله حالا این را هم من عرض کنم. یک مجازات نبوی سید رضی صفحه 129، قوله علیه الصلوه و السلام فمن ارتع حول الحمی کان ... ان یرتع فیه، این را در مقام تفسیرش بر آمده است مرحوم سید رضی آن هم یک مقداری تفاوت دارد. اینها را من بعدا در بحث تفاسیر که کلماتشان را می خوانم و در موردش صحبت می کنم که چجوری این تفسیر شده است و تأثیر این تفسیر ها در استدلال به بحث ما چه شکلی است. تا حالا ما چهار تا حدیث خواندیم از این قسم دوم. از تثلیث دوم که کلمه ثلاثه ندارد و به حمل شایع الحلال بیّن و الحرام بیّن دارد، چهار تا خواندیم. اولی اش عمر بن حنظله بود خطبه حضرت امیر بود، بعدی اش سلّام بن مستنیر بود و چهارمی اش نعمان بن بشیر. این چهار تا. پنجمی حدیث عمار بن یاسر هست. در مسند ابی یعلی موصلی جلد 3 صفحه 213 دارد.

عن عمار بن یاسر ان رسول الله ص قال ان الحلال بیّن و الحرام بیّن و بینهما شبهات من توقاهنّ هنّ وقاعا لدینه و من یوقع فیهنّ یوشک ان یواقع .... کالمرتع حول الحمی یوشک ان یواقعه لکلّ ملک حمی

المعجم الأوسط طبرانی جلد 2 صفحه 204.

عن عمار بن یاسر عن رسول الله قال الحلال بیّن و الحرام بیّن و بینهما مشتبهات

آن شبهات بود این مشتبهات است

فمن توقاهنّ کان اتقی لدینه و عرضه و من واقعهن یوشک ان یواقع الکبائر کالمرتع الی جانب الحمی یوشک ان یواقعه و این لکل ملک حمی و حمی الله....

بعد می گوید

و لا یروی عن عمار الا بهذا الاسناد

خب این هم پنجمین حدیث ما. ششمین حدیث ما حدیث ابن عمر است. در معجم الدوسط طبرانی جلد 3 صفحه 184 نقل کرده است

عن ابن عمر قال قال رسول الله ص الحلال بیّن و الحرام بیّن و بینهما شبهات فمن مصلحات

یک همچین تعبیری دارد نمی دانم این چیست فمن مصلحات. بینهما مشتبهات فمن مصلحات. من نمی دانم چطوری باید

کان انزه لدینه و عرضه

اینجا فمن مصلحات نمی دانم غلط است چه هست. مِن بخوانیم مَن بخوانیم چطوری بخوانیم؟ البته اینها آدرس های دیگری دارد من فرصت نکردم، در کتب رجالی هم آن هم یک سری چیزهایی وجود دارد آدرس های کتب رجالی را من بعدا می دهم. بعضی از اینها را اگر در کامل ابن عدی بود جاهای دیگر بود آنها را من نرسیدم یک مقداری اینها را

سؤال: پرهیز از یک سری کارهای خوبی که ولو مثلا در آن درجات نباشد

استاد: چطوری می شود خواند مَن یا مِن بحث من این است. این را داشته باشید من مراجعه می کنم ببینم نقل های دیگرش عبارت چه شکلی است.

کان انزه لدینه و عرضه و من وقع فی الشبهات أوشک ان یقع فی الحرام کالمرتع حول الحمی یوشک ان یواقع الحمی و لا یشعر

در معجم صغیر طبرانی، این به این شکل آمده است

عن ابن عمر عن النبی ص الحلال بیّن و الحرام بیّن فدع ما یریبک الی ما لا یریبک. خب متن کاملا متفاوت است. در کنز العمّال جلد 3 صفحه 428 هم همین را نقل کرده است با این تعبیر، «ط» و «ص» که «ط» ظاهرا مخفف طبرانی است و «ص» یعنی صغیر. طبرانی صغیر یعنی معجم صغیر طبرانی عن عمر آنجا نقل کرده است. در این کنز العمّال. خب این هم یک نقل. نقل هفتم ما المعجم الکبیر طبرانی جلد 10 صفحه 333

عن ابن عباس عن رسول الله ص قال الحلا بیّن الحرام بیّن و بین ذلک شبهات فمن أوقع بهنّ فهو قمنٌ ان یأفر و من اجتربهنّ فهو أوفر لدینه کمرتع الی جنب حمی أوشک ان یقع فیه و لکل ملکٍ حمی و حمی الله الحرام

در کنز العمّال جلد 3 صفحه 434، این را از طب، طب یعنی طبرانی کبیر ظاهرا. و ابن عساکر عن ابن عباس نقل می کند ولی تعبیرش این است در کنز العمّال

و بین ذلک مشتبهاه فمن رتع فیهنّ قمن ان .... و من اجتربهن فهو ارفق لدینه رحم الله فی الارض الحرام

سؤال:

پاسخ: این از ابن عباس است ولی این نقل هفتم ما است.

نقل هشتم ما نقلی از عمر بن الخطاب است لعنه الله علیه. کنز العمّال جلد 1 صفحه 373.

عن عمر بن الخطاب قال

این نقل عمر بن الخطاب به آن خطبه حضرت امیری که در فقیه وارد شده است و در تیسیر المطالب آمده بود که دوم م بود به آن بی شباهت نیست. از جهاتی هم نقل البی است. این نقل را کنار آن نقل بگذاریم این نقل روشن تر از آن نقل است از جهاتی یک نکاتی دارد که می گویم آن نکات چیست. شبهات من الشیطان و بدع را در این نقل خیلی روشن بیان می کند. معذرت می خواهم یک نکته ای بگویم. بعضی تعبیراتش شبیه تعبیرات همان خطبه امیر المؤمنین است و بعضی از تعبیراتش شبیه آن سلّام بن مستنیر است. جمع بین به یک معنا هر دو تعبیر است. حالا من می خوانم تعبیر را چون در سلّام بن مستنیر این بود، و بینهما شبهات من الشیطان و بدعٌ بعدی. این تعبیر این است

عن عمر بن خطّاب قال قال رسول الله ص ان الله انزل کتابا و افترض فرائض فلا تنقصوها و حد حدودا فلا تغیّروها و حرّم محارمه فلا تقربوها و سکت عن اشیاء لم یسکت عنها نسیانا کانت رحمه من الله فاقبلوها. ان اصحاب الرأی اعداء السنن... منهم ان یعووها

یعنی یحفظوها. تفلطت یعنی از دستشان در رفته است و نتوانسته است سنت را حفظ کنند.

.... منهم ان یعووها و اعیدهم ان یحفظوها و سلبوا ان یقولو لا نعلم.

سنت را از یک طرف حفظ نکرده اند و از یک طرف هم این قدرت نه گفتن را از آنها سلب شده است.

فعارض السنن برأیهم. فایاکم و ایاهم فان الحلال بیّن و الحرام بیّن

ببینید این حلال بیّن و حرام بیّن را دقیقا روشن می کند که نه اینکه بر مردم مشخص است یعنی اصلا حلال و حرام مشخص بیان شده است ولی ممکن است بعضی از شما این حلال و حرام را ندانسته باشید خب باید می رفتید از سنن بروید یاد بگیرید. چرا می آیید از رأی خودتان برای رسیدن به این حلال و حرام استفاده می کنید. چون حفظ سنن می کردند مراجعه می کردید، در جلسه قبل عرض کردم که مراد از بیّن یعنی در موضع خودش در کتاب و سنت بیان شده است و نه اینکه بالفعل همه اشخاص اینها را می دانند. نه آن در جای خودش مشخص است و باید می رفتید آنها را یاد می گرفتید و به اصحاب الرأی کار نداشته باشید

فایاکم و ایاهم فان الحلال ین و الحرام بیّن کالمرتع حول الحمی أوشک ان یواقعه علی و ان لکل ملکٍ حمی و حمی الله فی ارضه محارمه.

بعد ذیلش دارد نصر، نمی دانم نصر علامت اختصاری چیست

و فیه ایوب بن سوید ضعیفٌ

این جوری تعبیر دارد. خب این تا اینجا یک سری منابع این حدیث. حالا من بقیه مواردی که این حدیث در آن وارد شده است را مراجعه می کنم انشاءالله در جلسات آینده در مورد متنش و اینها صحبت می کنیم. فقط یک نکته ای اینجا عرض کنم، اینکه مراد از شبهات یا مشبّهات و امثال اینها چیست. در بعضی از کتب حالا تفصیر اینها را مفصل تر بعدا عرض می کنم. بعضی ها تعبیر می کنند به معنای مکروه است. مثلا به معنای شبهاتی که ما می گوییم نگرفته اند. این با همان تفسیر آقای صدر که می گفت شبهه یا مشبّه به معنای شبیه است کأنه می گوید مکروه چون شبیه حرام است شبهات یعنی شبیه به حرام و بعد می گوید که انسان باید یک مقداری از حلال را هم ترک کند تا قدرت بر ترک حرام پیدا کند. این جوری معنا می کنند. بعضی ها به معنای گناهان صغیره معنا می کنند و آن حرامی که آنجا هست به معنای گناهان کبیره معنا می کنند. این را مرحوم سیّد رضی در تفسیر این عبارت، عبارتی آورده است که این صدرش یک جور است و ذیلش یک جور دیگری است. اینها یک مقداری با هم دیگر متفاوت هست. حالا من عبارات مجازات نبویه مرحوم سید رضی را می خوانم صدرش ظاهرش این است که مراد از آن چیزهایی که باید ترک شود گناهان صغیره است و ذیلش این است که مکروهات را انسان باید طرح کند. می گوید

قلو علیه الصلوه و السلام فمن ارتع حول الحمی کان قمنا ان یرتع فیه. یرید به التحذیر من الالمام بشیئ من صغائر الذنوب لعلی یکون ذلک مجرعا علی الوقوع فی کبائرها و .... فی معاظمها.

این که یوشک ان یرتع فیه یعنی نه اینکه خود به خود ممکن است در آن حمی و غرقگاه قرار گیرد. این را در بحث ها توجه فرمایید اینکه ما می گوییم که کسی که مشتبهات را انجام بدهد در خود غرقگاه قرار می گیرد این مراد چیست؟ آیا مراد این است که خود به خود ممکن است در غرقگاه قرار گیرد یا اینکه نه، کسی که عادت کرده است در اطراف چراگاه بچرد، گاهی اوقات هوس می کند داخل چراگاه بچرد. بحث وسوسه های نفسانی است کسی که خودش را کنترل نکند، در مقابل گناه نمی تواند مقاومت کند. این یک معنا. آن معناهایش فرق دارد و تأثیر دارد در اینکه این روایت را بتوانیم در این بحث تمسک کنیم یا نتوانیم. مرحوم رضی بعد از این عبارت دارد

و هذه من احسن العبارات عن هذا المعنا

سؤال:

پاسخ: هر دو اش از این جهت که صغیره باعث می شود که انسان هوس کبیره کند و مکروه باعث می شود که انسان هوس حرام کند. می گوید

و هذه من احسن العبارات عن هذا المعنا و هذا المعنا نحاه (یعنی قصدَ نحو یعنی قصد) و هذا المعنا نحاه عمر بن عبد العزیز و قوله بینک و بین الحرام جزئا من الحلال فانک ان استوفیت الحلال کله تاقت نفسک الی الحرام

تاقت یعنی اشتاقت. اگر کسی فقط مقید باشد که حرام ها را ترک کند و هر چه حلال است انسان انجام دهد این نفسش ضعیف می شود. نفسش در مقابل حرام نمی تواند مقاومت کند. می خواهد بگوید که جمع بین صدر و ذیل عبارت این است می گوید که ایشان صغائر الذنوب معنا می کند ولی می گوید که این معنا شبیه همان است یعنی کسی که یک مرتبه پایینی را ترک نکند قادر به ترک مرتبه بالا نیست. انسان باید آرام آرام نفس خودش را قوی کند. کسی که در مرتبه ضعیف مقاومت نکند، مرتبه قوی را نمی تواند حالا چه ایشان صغائر الذنوب تعبیر کرده است می گوید کلمه عمر بن عبد العزیز هم در همین فضا هست که گفته شده است. البته عرض کردم بعضی ها شبهات را به معنای مکروهات معنا کرده اند و این را حالا بعدا در موردش صحبت می کنیم. این یک نکته و یک نکته دیگر کلی هم در مورد تفسیر این روایت بگویم حالا تبیین بیشترش در جلسات بعدی. آن این است که این که می گوییم کسی که شبهات را انجام بدهد در حرام می افتد، حرامی که آن شبهه احتمال دارد آن حرام باشد مراد است؟ یک موقعی است می گوید آن کسی که در شبهات بچرد ممکن است به آن حرام واقعی مبتلا شود. یک موقعی که نه اگر شبهات در آن شبهات شما چریدید در حرام های بیّن واقع می شوید.

سؤال:

پاسخ: حرام بیّن اینکه حرام بیّن نیست اصلا. حرام های بیّن یعنی دقیقا همان معنای مجرعا که در بعضی از تعبیرات مجرعا ان ییسر، در بعضی از تعبیراتی که در چیزها بود این وجود دارد که کاملا از محل بحث خارج می شود. این است که این تعبیراتی که در این روایت هست مختلف است. این عبارت های مختلف را که آورده ام یکی از نکاتی که در این عبارات خیلی تفاوت جدی دارد همین است که بعضی از عباراتش با این معنا سازگار هست که مراد این است که کسی که مشتبهات را انجام دهد خب داخل حرام می شود. یعنی حرام هایی که این مشتبه ممکن است آن حرام ها باشند. ولی بعضی از اینها صریح است در اینکه نه، کان لما استبان له اترک.

سؤال: چرا از محل بحث ما خارج می شود؟

پاسخ: آن بحث این است که حالا آن را بعد صحبت می کنیم. بحث سر این است که شما اگر این را ترک نکنید در حرام واقع می شوید. معنایش این است که آن محذوری که هست واقع شدن در حرام است. اگر حالا در حرام واقع نشدید، نهی به این برای این است که شما در آن حرام واقعی واقع نشوید. حالا آن را بحث می کنیم که اگر این معنا باشد از این چه استفاده می شود حرمت استفاده می شود یا نمی شود. ببینید دو بحث است یک موقعی ما می گوییم آن حرام واقعی که وجود دارد، آن حرام تنجیز می شود. آن حرام منجّز هست یعنی نفس احتمال حرام باعث تنجیز آن حرام محتمل می شود. یک موقع این را می گوییم و یک موقعی می گوییم که نه، اجتناب از چیزها ذاتا خودش یک حرام دیگر است. خود این یکی از واجباتی است این دو چیز مختلف و متفاوت است. ما الآن بحثی که تا الآن داریم این است که آن حرام واقعی به وسیله احتمال وقوع در حرام تنجیز می شود. ولی یک بحث دیگر این است که از مشتبهات باید پرهیز کنیم به چه خاطر؟ به خاطر اینکه بتوانیم از حرام های واقعی پرهیز کنیم

سؤال: یعنی خود این موضوعیت پیدا میکند

پساسخ: طبیعتا خود این متفاوت می شود. این حرام واقعی می شود اجتناب از متشبهات نه حرام ظاهری. این ها را بعد بحثش را می کنیم. اگر دالّ بر حرمت باشد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد